

ورق گل

دریچه‌ای به گلزار ادب پارسی

منیژه انتخابی

پاژنگ

انتخابی، منیژه، ۱۳۰۵ -
ورق گل درپچه‌ای به گلزار ادب پارسی / منیژه انتخابی. --- تهران :
پازنگ، ۱۳۸۴ .
۲۷۲ ص.

ISBN 964-6077-32-3: ۲۳۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. شعر فارسی -- تاریخ و نقد. ۲. شاعران ایرانی. الف. عنوان.
ب. عنوان: درپچه‌ای به گلزار ادب پارسی.
۸۱۶۱ / ۰۰۹ PIR ۳۵۴۴ / الف ۸۱۶۱
۱۳۸۴

۸۴-۲۳۸۳۹ م

کتابخانه ملی ایران

شرکت انتشاراتی پازنگ: کریمخان زند - نبش ماهشهر - پلاک ۲۲ - واحد شماره ۳

تلفن: ۸۸۸۲۱۶۲۶ - تلفکس: ۸۸۳۰۱۶۹۷

ورق گل

درپچه‌ای به گلزار ادب پارسی

نویسنده: منیژه انتخابی

ناشر: انتشارات پازنگ

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۳

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: طراوت

چاپ: پیام

حروفچینی: بویت منروی

حق طبع محفوظ

شابک: ۳ - ۳۲ - ۶۰۷۷ - ۹۶۴ - 3 - 6077 - 964 ISBN:

ورق گل

دوستی می‌گفت که برای یک گردهم‌آیی علمی راهی ایتالیا شدیم. در آنجا به دعوت یکی از استادان ایتالیایی با دو سه نفر از دوستان به منزل ایشان رفتیم. پس از تعارفات مقدماتی، میزبان برای اینکه مجلس را گرم کند و سر صحبت را باز کند رو به من کرد و از من خواست تا دربارهٔ حافظ آنچه را که می‌دانم بیان کنم. من چیز زیادی نمی‌دانستم و دوستان همراهم نیز، بهر صورت با گفتن این که حافظ شاعر بزرگی بوده‌است و نهایت اطلاعات ما این بود که با دیوان حافظ مردم ایران فال می‌گیرند همین و همین.

میزبان ما رشتهٔ کلام را به دست گرفت و حدود یک ساعت دربارهٔ حافظ و اینکه در چه قرنی می‌زیسته و با کدام پادشاهان هم‌عصر بوده‌است، داد سخن داد و ما را در حیرت فرو برد. پیش خود گفتم شاید در این زمینه منحصرأ اطلاعاتی دارد و خواسته که معلومات خویش را به رخ ما کشد ...

از او پرسیدم که در مورد هومر چه میدانند؟ بی‌درنگ شروع به صحبت کرد و چنان از خود بی‌خود شد که تا پاسی از شب گذشته ما را فرصت چشم به هم زدن نداد و تجزیه و تحلیلی از آثار هومر کرد و نقدها و نظرهایی که در این باره نوشته شده همراه با نظریات خودش و از این قبیل مسایل که بر خجالت ما افزود.

بهر صورت شبی خوش و پر بار در محضر این استاد ایتالیایی سپری شد. از این رو نو شتم پر بار که درس خوبی گرفتیم.

این داستان متعلق به سه نسل پیش است و الان که وامصیبتاست چنان رشته‌های آشنایی و هم‌بستگی ما با گذشته و اصل و بنیادمان قطع شده و چنان فاصله این جدائی‌ها هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود که پنداشته می‌شود «کز اول نبوده‌است هیچ آشنایی» نسل جوان به کلی با گذشته خویش بیگانه شده است و چنان رشته علائق گسیخته که پیوستن آن مشکل به نظر می‌رسد به خصوص در این روزگار که جوانان اینقدر نگران حال و آینده خود هستند که گذشته را به کلی فراموش کرده‌اند.

خانم منیژه انتخابی که سالها پیش کتابی راجع به حافظ از ایشان چاپ و هم در امریکا و هم در ایران منتشر شده و اهل مطالعه با نام ایشان آشنایی دارند. و او که به عشق دیدار فرزندان مجبور به دوری از دیار مألوف شده است و در سرزمین پر زرق و برق امریکا رحل اقامت افکنده تلاش می‌کند با یادآوری گذشته پرافتخار این مرز و بوم با ذهن تلنگری هر چند که برای برانگیختن جوانان کافی نیست نفسی آنها را به خویش باز آورد این تلاش را باید ارج نهاد بهتر در این سفر معنوی همسفر این خانم فرهیخته باشیم که ما را به زمانهای دور

رهنمون می‌شود.

مؤلف با انتخاب چند شاعر بزرگ به شرح زندگانی و شعر آنها پرداخته است و خواننده را با نثری روان و دلنشین با زندگی و روابط شعرای آن زمان با پادشاهان و امرای عصرشان آشنا می‌کند.

خواننده گاه خود را در داغگاه امیر چغانیان می‌بیند که چگونه فرخی در میان گله کژده اسبان سر از دستار باز نمی‌شتاند. و گاه رودکی را می‌بیند که با بساز و آواز خود (بوی جوی مولیان) امیر سامانی را چنان بهیجان درآورده که موزه در پای نکرده پای در رکاب اسب درآورده و عزم بخارا می‌کند و گاه در کوههای سربه فلک کشیده یمگان ناصر خسرو را گرم فلسفه و چون و چراهای فلسفی می‌بیند و مسعود سعد را که در بند اسیر است و سرانجام شیخ اجل سعدی شیراز که فارغ از همه و همه چیز روزها به پند و اندرز و وعظ و خطابه و شب را به عشق و مستی.

گر خلق بدانند که من عاشق و مستم

آوازه درست است که من توبه شکستم

سعید نیاز کرمانی

مقدمه

اولین باری که توانستم دیوان شعری را بدون کمک بخوانم سال چهارم دبستان بودم و پدرم دیوان پروین اعتصامی را خریده بود که با شعرهای او آشنا شدم و هنوز پس از گذشت سالیان دراز تعداد زیادی از اشعار او را که به حافظه سپرده‌ام گاه‌گاه مرور می‌کنم. بعدها بیشتر با دیوان شعرا آشنا شدم پدر و یا مادرم اشعار بوستان سعدی را با آهنگ مخصوص آن برای ما می‌خواندند. یکی از اشعار آن را هنوز به خاطر دارم.

شبی یاد دارم که چشمم نخفت

شنیدم که پروانه با شمع گفت

و الی آخر.

سال بعد پدرم برگزیده غزلیات سعدی را که کتابی کوچک بود و هنوز آن را حفظ کرده‌ام برایم خرید و چون مادرم هم شعر می‌گفت و بسیار به ادبیات علاقمند بود بیشتر اوقات با شعر و کتاب سر و کار داشتیم و شبها پس از انجام تکالیف مدرسه مشاعره می‌کردیم و یا به نوبت گلستان سعدی را می‌خواندیم که

برای ما آزمایشی بود ارزشمند. و این چنین است آغاز عشق من به شعر پارسی که بعدها سعی کردم با مطالعه بیشتر دیوان‌های شعر این عشق را در دل خود زنده نگاه دارم.

مطالعه آثار محققان و تاریخ‌نویسان درباره شعرای پارسی زبان و نیز نقدهایی که در این مورد نوشته شده مرا یاری داد تا بتوانم قطره‌های بیشتری از این اقیانوس بی‌پایان بنوشم و در این سال‌های دوری از وطن بیشتر به مطالعه رو کرده‌ام شاید هم علتش فرصت بیشتری است که پس از آن که فرزندانم تحصیلات خود را به پایان رسانده و وارد بازار کار شده راه زندگی خویش در پیش گرفته‌اند مرا بر آن داشته که بیشتر به مطالعه پردازم پس بر آن شدم که مختصری از شرح حال شعرا و آنچه که از این دریای پرگهر دردک کرده‌ام به رشته تحریر بکشم.

باشد که راهی به این گلزار جاودان یافته خود نیز از آن بهره بگیرم.

در اینجا باید از کمک‌های بی‌دریغ همسر که همیشه یار و یاور من بوده و مرا در کار مطالعه تشویق نموده سپاسگزاری نمایم.

منیژه انتخابی «محقق»